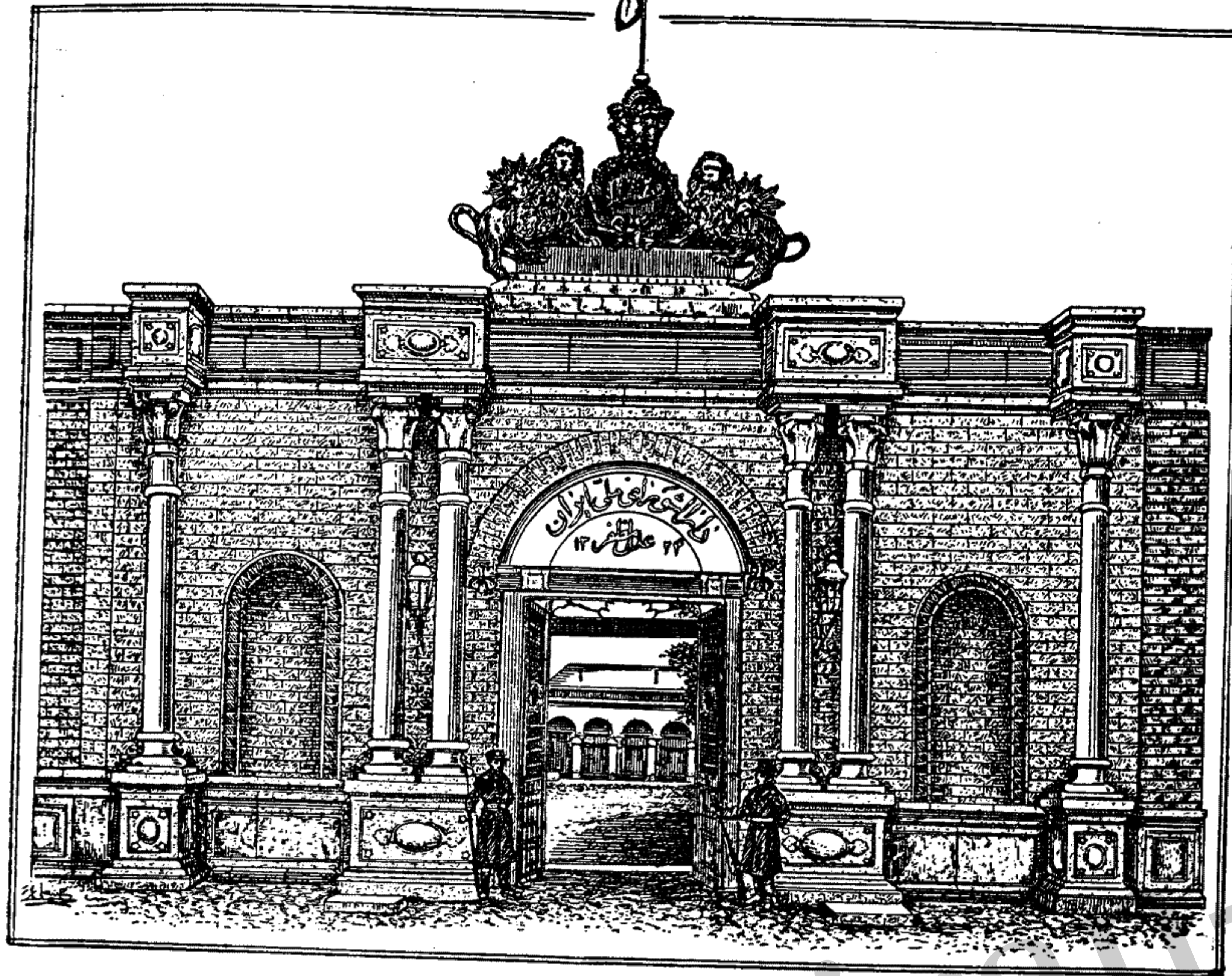


دوره ششم تصنیفیه

<p>جلسه ۲۰۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۶۹</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه شنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ شعبان المعظم ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



## فهرست مندرجات



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ شعبان المعظم ۱۳۴۶

### جلسه ۲۰۴

( مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر  
براست آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
( صورت مجلس بوم پنجشنبه دوازدهم بهمن ماه  
را آقای نگهبان قرائت نمودند )

غائبین با اجازه جلسه قبل  
آقایان : ایلخان - دشتی - آقا میرزا هاشم آشتیانی -  
میرزا حسن خان وثوق - محمود رضا -  
غائبین بی اجازه جلسه قبل

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه مذاکرات نسبت بمواد الحاقیه قانون استخدام اعضاء اداری مجلس شورای ملی و تصویب آن	۳۴۳۹	۳۴۴۷
۲	مذاکره نسبت بقابل توجه بودن طرح پیشنهادی عده از نمایندگان راجع به معافیت اهالی میناب از تأدیه مالیات مستقیم و قابل توجه شدن آن	۳۴۴۷	۳۴۴۸
۳	بقیه شور اول نسبت بنخبه کمیسیون فوائد عامه راجع به لایحه امتیاز چراغ برق در شهرها ناماده ۸	۳۴۴۸	۳۴۵۹
۵	مواد الحاقیه قانون استخدام اعضاء اداری مجلس شورای ملی	۳۴۶۰	



آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک - بنی سلیمان - میرزا ابراهیم آشتیانی - حاج غلامحسین ملک دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: روحی - نجومی - بالیزی - نوبخت - سلطان محمد خان عامری -

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: شریعت زاده - قوام شیرازی - عباس میرزا بهبانی - دکتر مصدق -

رئیس - صورت مجلس اعتراضی ندارد (گفتند - خیر)

رئیس - طرح راجع به مستخدمین مجلس مطرح است پیشنهاد آقای فیروز آبادی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده اول قانون استخدام اعضاء اداری مجلس شورای ملی مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۴ شمسی بحال خود باقی بگذارند رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که مثل تمام آقایان علاقه مند به اصلاحات مملکتی هستم و عقیده ام این است که اسباب آسایش تمام افراد مملکت بایستی فراهم شود و اختصاص به بعضی دون بعضی نباشد به این نظر بنده عقیده ام این است که رتبه های ادارات را باین بیآوریم نه اینکه رتبه هشت و نه ای هم برای مجلس قائل شویم بنده عقیده ام این است مجلس منشاء و سر مشق تمام اصلاحات باید باشد و هر کاری که میخواهیم بکنیم اول بایستی درباره خودمان آن کارها را بکنیم بعد در اینجا که اجرا شد بدیگران هم بگوئیم که شما هم باید متابعت کنید نه اینکه يك قانونی باشد مثل همان قانون استخدام كشوری که الحق و الانصاف وقتی که نگاه کنیم می بینیم که این قانون بجهت مملکت ما و دولت ما مضر است و

عنقریب بودجه ادارات مملکتی ما را شاید به هفت کرور برساند بنده عقیده ام این است که آن بودجه را باید پائین بیاوریم بنده با بعضی از مستخدمین مجلس مذاکره کردم دیدم خود آنها هم مذاکره کردند که ما خودمان هم راضی نیستیم که يك حقوقی بر حقوق ما افزوده شود ما میل نداریم که خودمان را بر مردمان این مملکت ترجیح بدهیم بطرفی که آنها از گرسنگی بمیرند و ما هر ماهی سیصد و بیست تومان حقوق بگیریم خود اینها هم صاحب عاطفه هستند و حاضر نیستند پس بنده عقیده ندارم که تبصره نسخ شود و عقیده ام این است که بحال خود باقی باشد و قانون را نسخ نکنند و حقوق سایر ادارات را هم پائین بیاورند نه اینکه اینجا را هم ببرند بالا دیگر عرضی ندارم

رئیس - به این پیشنهاد اینطور نمیشود رأی گرفت دو طریق داریم یکی این است که بطریق ماده الحاقیه بنویسید و رأی بگیریم و طریق دیگرش هم تجزیه است که آقای حاج آقا رضا پیشنهاد کرده اند (پیشنهاد آقای رفیع بشرح آن خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه دوم تجزیه شود به سه رأی يك رأی گرفته شود از اول ماده تا ضامن معتبری حتمی خواهد بود يك رأی از کلمه مواد ۱۷ و ۲۶ تا نسخ میشود يك رأی به تبصره

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض میکنم که مدتی است این فکر در بین نمایندگان است که اصلاً حقوق نمایندگان کسر شود و گمان میکنم موفقیت حاصل کنیم و يك مبلغی را بمجلس پیشنهاد کنیم و همه نمایندگان هم موافقت فرمایند (صحیح است) بودجه اداری مجلس تقریباً هشتاد هزار تومان است ما هشتاد هزار تومان خرج میکنیم برای دو بیست و پنج هزار تومان مخارج يك مؤسسه ملی باید تناسب را همیشه در نظر گرفت هشتاد هزار تومان ما برای چه خرج میکنیم؟ در صورتیکه باید بیست هزار تومان خرج کنیم خود

این يك خرج هنگفتی است معنای اینکه وکیل از تعرض مصون است این است که وکیل بدون رودربایستی عقیده خودش را بگوید بدون اینکه کسی برنجید باز نچند بایستی وکیل عقیده خودش را آزادانه در مجلس شورای ملی اظهار کند . میگویند ما اعضاء فنی میخواهیم برای مجلس شورای ملی اعضاء فنی معنایش این است که بکنفر منشی که مشغول انشاء است پنججاه سال دیگر هم که انشاء الله مجلس باز باشد آن منشی باید مشغول انشاء باشد و اگر آن منشی رفت يك منشی دیگر بیاورند فلان وزارتخانه اگر مدیر کل تربیت میکند برای این است که لازم دارد این آدمی که مثلاً در وزارت خارجه مدیر کل میشود بایستی اول ثبات باشد تا کم کم این مراتب و مقامات مادون را طی بکنند تا برسد به آن مرتبه مافوق و بالاخره تربیت بشود و بعد از صد و بیست سال که يك مدیر کلی مرحوم شد این شخص را بفرستند جای او و قائم مقام او قرار دهند ولی مجلس اینکارها را ندارد مجلس يك کارهای معینی دارد و بالاخره تا وقتی هم برقرار است و آن کارها بایستی برقرار باشد مثل اینکه يك شخصی برای خانه خودش يك پیشخدمت میخواهد شاید این پیشخدمت يك مستخدمی است که بیست سال است جان میکند و حالا میگوید من باید مدیر کل بشوم آن شخص میگوید من رتبه نه نمیخواهم پس تا وقتی که رتبه نه برای او نیست و او میخواهد رتبه ۹ برسد بسلامتی میرود در وزارتخانه های دیگر و در آنجا انشاء الله بمراتب عالی هم نایل میشود و بالاخره از این اداره بآن اداره تا اینکه مقامات عالی را پیدا میکند ما هم اگر بخواهیم در اینجا کارخانه مدیر سازی درست کنیم برای اجزاء اینجا هم مثل جاهای دیگر بکنیم بکدفعه ملاحظه می کنید می بینید که چند سال نمیگذرد که ما سی تا مدیر کل داریم . چه کار کنیم؟! آقای مدیر کل را بیاوریم اینجا و بگوئیم در اینجا بنشین . و برای ما تقریر نویسی بکنن؟ این بیچاره باید مشغول کار خودش

باشد البته کار زیاد میکنند اضافه حق - وق باید باو داد همراهی باید کرد شب عید است مساعدت باید کرد اما رفیع مقام برای اشخاص فنی اینجا غلط است آن کسی را میخواهیم مشغول کار فنی باشد این بعد از چند سال چه میخواهد بشود؟ امروز الکتريك را هم بلد است فردا هم بلد است بالاخره باید در همان کار باشد ده سال دیگر هم بلد است و باید کارخانه الکتريك را هم اداره کند بنا بر این بنده اینطور پیشنهاد کردم که يك رأی گرفته شود از اول ماده الحاقیه تا ضامن معتبری حتمی خواهد بود و يك رأی هم گرفته شود از مواد ۱۷ و ۲۶ قانون استخدام كشوری تا نسخ میشود و البته ما به این قسمت رأی نمیدهیم بجه مناسب است نسخ شود و تبصره اخیرش هم خیلی خوب است پس سه رأی میگیریم اولی را رأی میدهیم و دومی را رأی نمیدهیم و سومی را هم رأی میدهیم

رئیس - رأی میگیریم به ماده الحاقیه دوم بترتیبی که قرائت میشود .

( اینطور خوانده شد )

ماده الحاقیه دوم - نسبت به دارائی نقدی و جنسی مجلس در مواردی که اداره مسئول لزوم آن را تشخیص دهد اخذ وجه الضمانه یا داد ضامن معتبری حتمی خواهد بود .

رئیس - رأی میگیریم به این قسمت آقایان که

تصویب میکنند قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . قسمت دوم

( اینطور خوانده شد )

مواد ۱۷ و ۲۶ قانون استخدام كشوری شامل مستخدمین اداری مجلس بوده و تبصره ماده اول قانون استخدام اداری مجلس مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ نسخ می شود رئیس - رأی میگیریم به این قسمت آقایانیکه تصویب

میکند قیام فرمایند

( عده قیام نمودند )



رئیس - تصویب نشد. قسمت سوم  
(بطریق ذیل قرائت شد)  
تبصره - اجرای مواد الحاقیه مذکوره فوق از طرف  
مجلس با رعایت ماده هفت قانون استخدام اداری مجلس  
مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ بعمل خواهد آمد  
رئیس - آقایانیکه این قسمت را تصویب میکنند قیام  
فرمایند.

(اکثر برخواستند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بقسمت اول وسوم  
آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند  
(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه آقای اعتبار  
(اینطور خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم: مستخدمین  
مجلس شورای ملی بشرايط مندرجه در ماده ۴۳ قانون  
استخدام کشوری با داشتن سی سال خدمت متناوب و ۲۵  
سال متوالی میتوانند متقاعد شوند

تبصره - بند اول و دوم قانون استخدام کشوری هم  
بطریق فوق تفسیر میشود

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - برای اینکه مطلب توضیح شود اجازه میفرمائید  
ماده ۴۳ قانون استخدام را بنده میخوانم ماده ۴۳  
عموم مستخدمین دولتی حق دارند با رعایت یکی از دو  
شرط ذیل تقاعد خود را از خدمت بخواهند

۱ - پس از سی سال خدمت و شصت سال عمر

۲ - در صورت داشتن پنجاه و پنجسال سال عمر و بیست

و پنجسال خدمت مشروط بر اینکه بیست سال آن را  
متصدی شغل بوده باشد و هرگاه تحلیل قوا وضع و پیری مانع  
نشود و مایل باشد تا سن هفتاد نیز میتواند مشغول خدمت باشد  
ولی در هفتاد سالگی باید حتماً از خدمت معاف شوند  
بنده تصور میکنم موقعی هم که قانون استخدام در دوره

چهارم از مجلس میگذشت نظر قانون گذار این بوده  
است یعنی اینطور که اینجا نوشته شده. اینجا دوشروط  
از برای مستخدمینی که میخواهند متقاعد بشوند قائل  
شده است يك شرطش البته دست خود مستخدم است  
و میتواند پس از سی سال خدمت متقاعد شود ولی يك  
شرط دیگرش دست خودش نیست و آن شصت سال عمر  
است. شصت سال عمر را نمیتواند تأمین کند مستخدم  
مطابق قانون از سن هیجده سالگی سنین خدمتش  
شروع می شود پس از اینکه يك مستخدمی از سن  
هیجده سالگی وارد خدمت شد و سی سال هم خدمت کرد  
در سن چهل و هشت سالگی میتواند متقاعد بشود و در  
عمل آنچه که نا بحال می بینیم وزارت مالیه عمل میکند  
این است که مستخدمی که چهل سال چهل و پنجسال  
خدمت کرده ولی شصت سال عمر ندارد یا پنجاه و هشت  
سال عمر دارد یا در پنجاه و هشت سالگی میمرد وزارت  
مالیه با او در قسمت تقاعدش بهیچوجه موافقت نمیکند  
و این چهل و پنج شش سال خدمت را کان لم یکن  
میشمارد بنده تصور میکنم که نظر مجلس هم در آنوقت  
این بوده است که سی سال خدمت یا شصت سال عمر را  
قائل شده است برای اینکه پس از سی سال خدمت  
یا شصت سال عمر البته میتواند متقاعد بشود مستخدمی  
که شصت سال عمر دارد و ده سال هم خدمت کرده باشد  
نسبت به سنین خدمتش با او محسوب خواهند کرد یعنی  
شصت حقوقش را ضرب در سنوات خدمتش میکنند و  
به او میدهند بنده اینجا خواستم راجع به مستخدمین  
مجلس این عیب را همه آقایان متوجه باشند و رفع آنرا بکنیم  
یعنی ملاک تقاعد را خدمت قائل شویم یعنی يك مستخدمی  
که سی سال خدمت متناوب یا بیست و پنج سال  
خدمت متوالی داشت می تواند متقاعد شود اعم  
از اینکه شصت سال عمر داشته باشد یا پنجاه و پنج  
سال و از آنطرف هم چون اینجا يك ابهامی بنظر من  
میرسد خواستم این قسمت را مجلس موافقت بفرمایند

که این اشکال برای مستخدمین کشوری هم مرتفع شود  
که وزارت مالیه يك مستخدمی که چندین سال خدمت کرده  
است برای کسر سه ماه یا چهار ماه یا پنجاه ماه سابقه  
خدمت او را از بین ببرند

رئیس - آقای شیروانی موافقت میکنند؟

شیروانی - خیر عرض میکنم که بنده با پیشنهاد  
ایشان در آن قسمتی که شصت سال عمر حذف شود،  
مخالفم و جهتش هم این است که اگر يك مستخدمی  
نوزده سال خدمت کرد و شصت سال هم عمر کرد این  
نوزده سال خدمت او مطابق پیشنهاد ایشان از بین  
خواهد رفت در صورتیکه ماده بعد که در قانون  
استخدام هست ماخذ استفاده از حقوق تقاعد را سنین  
خدمت قرار داده یعنی اگر کسی یکسال خدمت کند  
شصت يك حقوقش را بگیرد و اگر سی سال خدمت  
بکند نصف حقوقش را بگیرد ولی اگر این ماده باین  
ترتیب تصویب شود يك شخصی که پیر میشود  
و بیست و چهار سال است خدمت میکند و حالا به  
سن شصت سالگی رسیده (و مطابق يك ماده دیگر  
باید از خدمت معاف باشد) باید یکشاهی هم حقوق  
تقاعد باو ندهند این بعقیده بنده يك ظلمی است و  
قانون گذار هم در آن موقعی که قانون را وضع کرده  
منظورش همین بوده است که یا سی سال خدمت داشته  
باشد یا شصت سال عمر و در آنجا (یا) تبدیل به (و)  
شده است و اگر او را تبدیل به (یا) کنند و (یا)  
شصت سال عمر) نوشته شود بنده تصور میکنم تمام این  
اشکالات مرتفع میشود بنا بر این بنده يك پیشنهاد و  
اصلاحی به پیشنهاد ایشان خواهم کرد که (یا شصت سال  
عمر) اضافه شود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده مخالفم اجازه میفرمائید عرض کنم؟

رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض میکنم که این دو جنبه دارد بکیش

راجع به مجلس است و بنده نظر به اطلاعی که دارم اگر  
این ماده بگذرد یکی دو سال دیگر قریب چهل نفر از  
اعضاء مجلس که متقاعد میشوند سهل است اکثر اعضاء  
وزارتخانه ها هم متقاعد میشوند این طوری که ایشان  
پیشنهاد کردند از سن هیجده سالگی شروع به خدمت  
میشود و سی سال که خدمت کرد نازده چهل و هشت  
سالش میشود و آنوقت نازده موقعی است که بکنفر  
مستخدم تجربیاتش کامل شده و مملکت نازده از وجود  
این شخص باید استفاده کند. آن روز را همچو مقرر  
میدارند که روز تقاعد این آدم است. علاوه بر این  
بنده اطلاع دارم که مستخدمینی هستند که در سن  
پنجاه سالگی یا قدری کمتر باید خدمت شده اند اینها  
بسن شصت که رسیدند باید متقاعد شوند. حالا اینطور  
صلاح میدانید؟ بنده که گمان میکنم صلاح نباشد  
حالا این پیشنهاد از چه نقطه نظر است و چه چیز  
ایجاب کرده است که ما این ماده را برای اصلاح امور  
جامعه پیشنهاد کنیم و رای بدهیم و صرف وقت و  
بذل اوقات کنیم این بجای خودش باشد. لیکن میخواستم  
تذکری بدهم که نواقص قانون استخدام منحصر به این  
نیست. نواقص فوق العاده دارد. برله مملکت، بر علیه  
مملکت، برله مستخدمین، بر علیه مستخدمین، و این  
مطلب را هم تازه بنده حس نکرده ام از دوره پنجم به  
این طرف احساس شده بود و لزوم تجدید نظر را هم  
مجلس رای داد. دولت هم اعتراف کرد و کمیسیون برایش  
انتخاب شد. پس بگذارید همین مطلبی را که میفرمائید  
در آنجا مطرح کنند و تجدید نظر کنند که برله يك  
دسته و طایفه نباشد و برله طرفین باشد. در هر صورت  
جمع مواد بایستی تجدید نظر شود. این است که بنده

این پیشنهاد را در اینجا بخصوصه بيمورد می دانم

رئیس - چون آقای شیروانی نسبت به این پیشنهاد

اصلاحی پیشنهاد کرده اند باید به اصلاح ایشان رای



بگیریم (خطاب با آقای شیروان) توضیح میدهد ؟  
 شیروانی - توضیح بنده همان بود که عرض کردم مجدداً عرض میکنم یک نفر مستخدم اگر بیست و چهار سال خدمت کرد و به شصت سال عمر رسید مطابق این قانون این بیست و چهار سال خدمت او بکلی ازین خواهد رفت در صورتیکه اگر به شصت سال عمر رسید بایستی هر قدر خدمت کرده باشد از سنوات خدمت خودش استفاده کند یعنی اگر یکسال خدمت کرده باشد يك شصتم حقوقش را بگیرد و اگر سی سال خدمت کرده باشد سی شصتم حقوقش را که نصف حقوقش باشد بگیرد این عادلانه تر است تا بیست و پنجسال خدمت متوالی باسی سال خدمت متناوب و شصت سال عمر  
 رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده باین اصلاحی که آقای شیروان در پیشنهاد بنده کردند موافقت میکنم و استدعا میکنم در همان پیشنهاد اصلاح بفرمایند و اگر اجازه میفرمائید آقای کازرونی در بیاناتی که کردند يك اشتباهی کردند و سوء تفاهمی شد که باید توضیحاتی عرض کنم. اینجا آقای کازرونی فرمودند که اگر ما بخواهیم قائل شویم که مستخدم از سن هیجده سالگی شروع با استخدام او بشود آنوقت در سن چهل و هشت سالگی متقاعد خواهد شد این را قانون قائل شده است اگر اجازه میفرمائید بخواهم:

فصل اول شرایط خدمت

۱ - خدمت رسمی عبارت از دارا بودن شغل ثابت در یکی از وزارتخانهها و ادارات دولتی

۲ - داوطلبان خدمت رسمی در ادارات کشوری باید شرایط ذیل را دارا باشند

(نداشتن کمتر از هیجده سال) پس این را قانون پیش بینی کرده و همینطور هم عمل میشود يك مستخدمی وقتی می خواهد سنین خدمت خودش را در اداره تقاعد بگذراند برای او اول سن هیجده سال را قائل می شوند و اگر شانزده یا هفده سال هم باشد آن

دو سال را محسوب نمی کنند و از سن نوزده بی بعد را حساب میکنند و برای او سنین خدمت معین میکنند و اما اینکه فرمودند اگر با این پیشنهاد موافقت کنیم همه مستخدمین متقاعد میشوند این طور نیست این جادر همان ماده ۴۳ بنده قسمت دومش را برای حضرت مستطاب عالی میخوانم میگوید «هرگاه [مستخدمی را] تحلیل قوی و ضعف و پیری مانع نشود و مایل باشد تا سن هفتاد نیز میتواند مشغول خدمت باشد البته در این صورت تصدیق میفرمائید که هیچ مستخدمی وقتی سن ۴۸ سال رسید خود بخود از کار متقاعد نمیشود. الان جناب عالی مراجعه بفرمائید بهر يك از مستخدمینی که قانوناً میتوانند متقاعد شوند بهیچوجه حاضر نمیشوند از کار کناره بگیرند در این صورت بنده تصور نمیکم نظر حضرت مستطاب عالی مورد پیدا کند فقط چیزی که هست این است که قانونی که در دوره چهارم گذشته نظر قانون گذار این نبوده برای اینکه ضمن عمر کردن يك چیزی نیست که مجلس شورای ملی بایک جامعه باو رأی بدهند و او را تثبیت کنند و این جا يك اشتباهی شده و همانطور که آقای شیروانی تذکر داده دادند کلمه «یا» تبدیل به «و» شده است و حالا در این موارد تبعیض می شود بنده خواستم مجلس این قسمت را اصلاح کند که این تبعیض از بین برود و چرا بر آقایان میباید که يك مستخدمی که سی سال به يك دامنی خدمت کرده است تقاضای تقاعد بکنند؟ خیر. مستخدم بوده است. سی سال هم خدمت کرده حالا هم تقاضای تقاعد میکند که برود گوشه خانه اش بنشیند زندگی کند. این يك چیز مهمی بنظر آقا جلوه نکنند.

(پیشنهاد آقای اعتبار باضافه جمله) یا شصت سال (عمر) مجدداً خوانده شد

رئیس - آقایانیکه این ماده الحاقیه و تبصره را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. رای قطعی گرفته میشود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه آقای زوار (مضمون ذیل خوانده شد)

مستخدمین مجلس که دارای رتبه ۷ هستند میتوانند از مجلس خارج و در یکی از وزارتخانهها مستخدم شوند جمعی از نمایندگان - هست هست زوار - بسیار خوب این هست هست ها را من سند قرار میدهم برای آقایان

رئیس - کسی که نمیتواند مانع شود زوار - پس بفرمائید در صورت مجلس هم درج بفرمایند رئیس - مذاکرات راجع بکلیات است. آقای تقی زاده

تقی زاده - این قانون استخدام اداری مجلس البته مسئله خیلی مهمی نیست و نبایستی خیلی وقت مجلس را صرف این بکنیم و بنده هم آن اهمیت خیلی بزرگ اساسی را بهش نمیدم ولی يك ملاحظاتی داشتم که تصور کردم بهتر است که قبل از اینکه این قانون تصویب شود گفته شود و نکته نماند تا شاید برای آتیه مفید باشد بنده باین قانون از اول تا آخر مخالف بودم و در هیئت رئیسه هم البته موافق نبودم ولی بواسطه اینکه اکثریت هیئت رئیسه و مجلس موافق بودند که يك ترتیبی حاصل شود و بعضی اشکالاتی که گفته شده باین مجلس و وزارت مالیه و سایر ادارات پیش آمده که هر چه زودتر بایستی تصفیه شود در مواد مخالفتی نکردم ولی بعقیده بنده یکی از ملاحظات اساسی این است که باید این قسمت معلوم شود که انشاء الله این کار در آتیه اصلاح شود که هم این قانون و هم قانونی که قبل از این برای استخدام مستخدمین مجلس گذشته هر دو منسوخ شود و مستخدمین مجلس هم تابع قانون استخدام کشوری بشوند مستخدمین مجلس هم مستخدمین

این مملکت هستند. بنده می خواهم نظر آقایان را باین مسئله جلب کنم آقایانی هستند در اینجا که الحمد لله منطق هم میدانند ولی آن دلیلی که برای اجرای این قانون می آورند تناسبی با مدلولش ندارد یعنی به عقیده بنده مغالطه است. ضمناً دلیل این است که مجلس باید مستقل باشد. مجلس باید نسبت با اجرای قانون استخدام مستخدمین خودش چه ترفیع چه تزیل و چه سایر قسمت ها تماماً و کاملاً باید مستقل باشد و بقدری مستقل باشد که هیچ اداره دولتی و هیچ اداره تقنینی نتواند در کار مجلس مداخله کند ولی این مطلب ربطی و نسبتی ندارد و دلیل برای این نمیشود که به جهت مستخدمین مجلس قانون دیگری وضع کنند بنده می خواهم يك مثلی عرض کنم. اگر مجلس جلودرب خودش چند باب دکان بسازد و اجاره بدهد آیا يك قانون مستغلات علیحده برای آن دکانها لازم است یا همان قانون مستغلات مملکتی باید اجرا شود؟ البته دیگران نباید مداخله کنند و باید خود اداره مباشرت مجلس این کار را بکند ولی نه اینکه يك قانون مستغلات علیحده برای این چند تا دکان بگذاریم. بعقیده بنده این مسئله بقدری دور از منطق است که حتی هیچ دلیل سستی هم برای تصویب این قانون نمیشود پیدا کرد علاوه بر این اینطور قانون هم باعث ضرر مستخدمین مجلس میشود هم ضرر مستخدمین دولت برای اینکه چرا فرق بین دو دسته مستخدمین باشد؟ اگر اینهاست که در مجلس هستند از بعضی چیزهایی که مستخدمین کشوری یعنی مستخدمین این مملکت دارند محروم شوند چرا باید محروم شوند و اگر باید امتیازات با آنها داشته باشند خوب. چرا باید امتیاز داشته باشند؟ بسیار خوب. وقت و بیوقت کار میکنند. اینها هم مثل دیگران فوق العاده بگیرند پس هیچ دلیلی برای اینکار نیست، گفته میشود که اصلاً قانون استخدام کشوری معایبی دارد و بد است. قبول دارم. بیست هزار نفر مردم در زحمت هستند.



چرا آن صد نفر یا دوست نفری که تحت حمایت خودمان است راحت باشند و بگذاریم آن بیست هزار نفری که مأمول نگاهداری آنها هم هستیم در زحمت باشند؛ بگذارید اینها هم در زحمت باشند و با آنها همصدا شوند و شکایت کنند تا آن قانون را اصلاح کنیم. این شایسته مجلس نیست که برای وکلای خودش برای اعضاء خودش تمام فکر های خوب را بکند و همیشه تمام محسنات و مزایا را برای خودش فراهم کند در صورتیکه مجلس برای خودش تنها نیست. برای مملکت است و برای مملکت باید قانون بگذارند آنهایی که در ادارات هستند اگر در زحمتند مأمول هستیم را اگر هم در راحت هستند ما مسؤولیم. لهذا عرض میکنم که مستخدمین مجلس هم مثل مستخدمین کشوری هستند یعنی مستخدم این مملکت و تابع همان قانون باید بشوند فقط يك استثنائی باید قائل شد که در اجرای آن قانون و تشخیص و ترفیع رتبه و طی مراتب و تمام آن چیزها کاملاً مجلس مستقل باشد. حتی قبول دارم که اگر اشتباهاً هم مجلس بيك کسی که رتبه ۲ رادارد رتبه ۵ بدهد ادارات دولتی حق اعتراض و نقضش نداشته باشند و از این جا هر چه بیرون رفت حکم صریح باشد اما نه اینکه اینجا ما اختلافی بین دو دسته مستخدمین و دو قانون بیندازیم که در ماهیت عموم خصوص من وجه پیدا شود. يك چیزی در آنجا هست در این جا نیست يك چیزی در اینجا هست در آنجا نیست. این مثل دو خط کجی است که بمرور زمان هر چه زود تر ببرند هم از هم فاصله اش بیشتر میشود آنوقت يك ماده الحاقیه این جا لازم بشود بعد يك ماده الحاقیه به قانون استخدام کشوری باید اضافه کرد تا با مال این جا موافقت کند هم هر روز وصله و پینه بکنیم تا این دوتا با هم توافق پیدا کند در صورتیکه اگر یکی بود هیچ زحمتی وارد نمیشد. علاوه بر این به این قانون استخدام اداری مجلس بعضی اشخاص ابراد دارند و آنچه بنده دقت کرده ام ابرادشان صحیح است. این يك سوراخی

است که در قانون استخدام کشوری باز کرده است ما میتوانیم برویم از کوچه يك نفری را بیاوریم در رتبه چهار بگذاریم و وقتی هم از این جا رفت در ادارت دولتی با همان رتبه چهار وارد میشود و این باعث این است که اشخاصی که میخواهند داخل ادارات کشوری بشوند و ماسد سدیدى جلو آنها کشیده ایم که باید نود و نهمی باشد چه باشد چه باشد و نتوانند بالاخره از راه استخدام این جا وارد در ادارات دولتی بشوند. این را بعضی ابراد کرده اند. بنده خودم ابراد نکردم بمنزله گفتند. ولي بعد از دقت من جواب صحیحی پیدا نکردم که بانها بگویم. عرض میکنم در مقام عمل ادارات مجلس اینطور میکنند یا اجازه میدهند که اینکارها تشویق شود شاید این کار هم واقع نشده باشد اما ممکن است بشود بنا بر این نمیخواهم نتیجه مخالفت بنده این بشود که اگر الان يك اقتضائی دارد باعث این بشود که این قانون هم بخورد ولي میخواهم انشاء الله برای آتیه زمینه هائی تهیه بشود برای اینکه این قانون حالیه و آن قانون که این ماده الحاقیه برای آن نوشته میشود هر دو بر طرف شود و انشاء الله يك روزی تمام مستخدمین مملکت دارای يك قانون بشوند منتهی در قسمت اجرای قانون استخدام مستخدمین مجلس خود مجلس کاملاً مستقل باشد

رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - عرضی ندارم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم ملاحظاتی را که آقا فرمودند که میبایستی حتماً قانون استخدام اجزای مجلس شورای ملی و مستخدمین کشوری مساوی باشد در اوایل درست فرمودند ولی در منتهی ما بهم رسیدیم در دو خط دور شروع کردیم ولی در تقاطع بهم رسیدیم برای اینکه خود حضرتعالی فرمودید ما باید يك استثنائی قائل شویم که آن استثناء عبارت از شناختن رتبه ها و درجات مستخدمین مجلس باشد و بالاخره این قسمت ها را از

از مداخله غیر مصون نگاه بدارد. قضیه را باید فهم کرد و بعد اجرا کرد. این جا همان نقطه تقاطع است. آقا از يك راه دیگری آمدند ولی در منتهی بهم رسیدیم طرز فکر یکی است. فکر ما هم همین بود. اصلاً فشار این فکر را خلق کرد که مجلس شورای ملی يك رخنه و روزنه ندهد که در کار او مداخلاتی بکنند چون خود آقا میدانید وقتی که در يك قضیه مداخله میشود اول سر نخ را بیرون می آورند بعد کم کم از او طناب و زنجیر بیرون می آورند. همیشه مداخله در جزئیات يك مطلبی سبب میشود که این مداخله هم توسعه پیدای کند و اسباب اشکال میشود و بالاخره کار بجائی میرسد که بودجه مجلس شورای ملی را توقیف میکنند و می گویند ما این را نمی پردازیم الا اینکه شما تسلیم شوید بآن حرفی که ما میزنیم. این برای مجلس شورای ملی توهین است که يك کسیکه از خودش خلق شده است با خودش ستیزه کند. ما هم فکرمان این بود. اما اینکه فرمودند مستخدمین مجلس شورای ملی توسعه داده ایم بنده عقیده ام این است که برعکس است ما تضییق کرده ایم ما از رتبه ۸ و ۹ که بالاخره حق ارتقاء است آنها را محروم کرده ایم. حق ارتقاء يك چیزی است که بشر را بسعی و عمل وادار میکند از آن هم که محرومشان کرده ایم. بنا بر این ما توسعه مستخدمین مجلس و تضییقی بر مستخدمین خارجی نکرده ایم که آقا نگران باشید. اگر رخنه هم در قانون استخدام پیدا شود حضرتعالی نگران نباشید بالاخره این جوانهایی که رفته اند در مدرسه و تحصیل کرده اند و هم متوالیاً بیرون می آیند آخر این ها چه بکنند؟ بگذارید يك راهی هم برای آنها باز باشد که از زحمتشان استفاده کنند این را نگران نباشید بعلاوه خود آقا میدانید که هیئت رئیسه مجلس که مثل مؤتمن الملک شخصی بریاستش انتخاب میشود این قدر در نظر دارد که يك کسی را بدون يك مرجعانی دستش را از کوچه نگیرد بیاورد

اینجا بگذارد و البته وقتی که يك کسی را انتخاب می کنند يك مرجعانی را در نظر میگیرند و می آورند و اگر هیئت رئیسه مجلس از اول فکرش این بوده که این در را بروی محصلین باز کند که اقلان شش هفت نای اینها را که بالاخره تحصیل کرده اند و از جوانان خوش قریحه هستند بیاورند این جا و این قدر پشت در نمانند. اگر این طور هم باشد باز ارزش دارد که ما این قانون را برای چهار پنج تا از جوانان فارغ التحصیل خودمان وضع کنیم. بالاخره آن چیزی که ما گمان میکنیم این است که ما زیاده روی نکرده ایم و توسعه هم نداده ایم فقط بکفداری استقلال مجلس را در امور داخلی خودش تامین کرده ایم و اجازه نداده ایم که دیگران از خارج بیهانه های متنوعی بیابند در کار های ما مداخله کنند. این بد فکری نیست. این فکر در منتهای فرمایشات خود حضرت عالی هم بود. حالا اگر میفرمائید که این اقدام با فکر ما متناسب نیست آن يك چیزی است. ممکن است که ما نتوانسته ایم فکرمان را تنظیم کنیم با خوب کتابت کنیم ولی فکرمان همین بوده و این فکر هم از همین جا تولید شد و بالاخره بنظر بنده با هم تساوی فکر داریم

آقا سید یعقوب - بنده اخطار دارم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده جسارت میکنم. عرض کنم آقای تقی زاده فرمودند مغالطه است بنده ناچار هستم عرض کنم که یکی از موافقین بنده بودم و راجع باین قسمت مغالطه نکرده ام بقانون استخدامی که از مجلس گذشته است مراجعه کنند ببینند. اگر مراجعه نکرده اند تقصیر کسی نیست بنده ماده هفتاد قانون استخدام را میخوانم تا اینکه معلوم شود بنده مغالطه نکرده ام: (ماده ۷۰ - مواد این قانون شامل ادارات مجلس شورای ملی نخواهد بود و قانون علیحده نسبت به ادارات مذکور در هیئت رئیسه مجلس تهیه شده و



تصویب مجلس خواهد رسید) بنده نمیخواهم عرض کنم که اعلم العلماء هستم ولی بقدر امکان يك مسئله را که میفهمم در اینجا عرض میکنم. قوانین مصوبه را هم نگاه میکنم و خیلی تعجب میکنم از آقای دکتر مصدق که خیلی ساعی هستند و قوانین را ملاحظه میکنند پی در پی تصدیق میکردند.

رئیس -- این که اخطار نبود

آقا سید یعقوب -- بنده بی منطق عرض نمیکنم

رئیس -- رای گرفته میشود به سه ماده الحاقیه با دو تبصره آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. پیشنهاد آقای کازرونی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون مبتکرات راجع به اهالی میناب مطرح شود  
رئیس -- آقای اعتبار

اعتبار -- عرض کنم این خبر کمیسیون مبتکرات نزد هیچ يك از آقایان نیست و میدانند چیست پس اول اجازه بفرمائید طبع و توزیع شود بعد مطرح شود از آنطرف هم قانون چراغ برق یکی از قوانینی است که مبتلا به غالب جاها است و يك توجهی هم در مجلس راجع به این قانون هست که زودتر تمام شود و بنده مخالفم تا آن قانون نگذشته قانون دیگری از مجلس بگذرد  
رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- عرض کنم راپرتش طبع و توزیع شده با حضور نماینده دولت هم مذاکره شده و نایب خبرش داده شده بعد هم که کمیسیون تجدید شد تأیید کرده است و این هم يك چیزی نیست که قطعی باشد فقط رای بقبال توجه بودنش داده میشود و ارجاع میشود بکمیسیون بودجه و هر مطالعه لازم است در آنجا

قابل توجه شود و برود بکمیسیون آقایان که در کمیسیون هستند اطلاعاتشان برای خودشان محفوظ خواهد بود ولی تصور میکنم که ضرری نداشته باشد ما هم اطلاع پیدا کنیم و چون عده هم فعلاً برای رأی کافی نیست توضیح بدهند که ما هم استحضار حاصل کنیم

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- البته نه تنها بنده بایستی توضیح بدهم بلکه باید توضیحات داده شود. خود بخود و از روی میل و هوی و هوس که نمیشود مردم را از تأدیبه مالیات معاف کرد. دلایل دارد. نهایت دلائلش را بنده اینجا عرض میکنم و بعضی از دلائل در کمیسیون بودجه باید بعرض برسد دلائلی را که اینجا باید عرض کنم بطور خلاصه و بقدری که کافی باشد برای رأی دادن بقبال توجه بودن و ارجاع به کمیسیون این است که میناب یکی از شهرهای قدیم و در بدترین نقاط مملکت از حیث آب و هوا و مهمترین نقاط مملکت از حیث موقعیت واقع شده اصلاً مردمش فقیر و بدبختند. علاوه سال گذشته اولاً خشک سالی بود و زراعت نشد و ثانیاً ملخ آمد ملخ خاکی که زراعت را خورد ثالثاً ملخ مصری آمد اشجار آنها را خورد رابعاً وبا آمد قریب شش هزار نفر از آنها تلف کرد علاوه بر اینها آنها ممنوع شده اند که اگر چیزی هم باقی مانده باشد نتوانند بخارج بفرستند يك جهات و دلائل دیگر هم موجود است و گمان می کنم باین اندازه که آقا میخواهند همینقدر کافی باشد و فعلاً قریب با صد نفر مردمان گرسنه، برهنه، بیچاره اینها الان در عباسی سرگردان هستند بکعبه شان هم فرار کرده اند گمان میکنم همین اندازه کافی باشد

رئیس -- رای گرفته میشود بقبال توجه بودن این

طرح آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد. پیشنهاد های ماده دوم

لابحه چراغ برق قرائت میشود

افشار (مخبر کمیسیون فواید عامه) -- اجازه میفرمائید رئیس -- قرائت شود یا برود بکمیسیون بعضی از نمایندگان برود بکمیسیون رئیس -- ماده سوم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳ -- مدت امتیاز از پانزده سال تجاوز نخواهد کرد  
رئیس -- آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی -- بنده در این قبیل چیزها عقیده ام این است که هر کس میل دارد در این اموراتی که اسباب ضرر نوع و مملکت نیست و اسباب آسایش مملکت است آزاد باشد. هر کس میخواهد کار خانه بیاورد بیاورد. چون بترقی مملکت کمک می کند اینکه محدود بکنند و قانون بگذارند و مردم را در این امور محتاج با اجازه بکنند حالا این گذشته عقیده آقایان این است که قانون در بین باشد که اسباب رقابت نشود و بنده عقیده دارم که اگر رقابت بشود مملکت بهتر ترقی میکند نا وقتی که رقابت نباشد و از همه اینها گذشته (مدت امتیاز زیاده از نازده سال نخواهد شد) اینجا از آقای مخبر کمیسیون استدعا میکنم توضیح بدهند چه نظری است که مدت را پانزده سال قرار داده اند چرا چهارده سال یا بیست سال قرار نداده اند گرچه حالا خواهند فرمود که اگر بیست سال هم میکردیم همین ایراد وارد بود اما نظرم این بود که لا اقل بیشتر قرار بدهند. بیست سال قرار بدهند که آن کسی که می خواهد کار خانه بیاورد لا اقل تشویق بشود

مخبر -- عرض کنم در اینکه آقا فرمودند باید موضوع چراغ برق در مملکت آزاد باشد البته اگر نظر آقا که فقط (محوطه و وضعیات) ایران را می بینند باین کوچکی نبود خود بنده تصدیق میکنم که اگر ملت ایران کاملاً آزاد بود خودشان اقدامات اقتصادی میکردند و



در اثر يك رقابتهائی البته يك تحصيل موفقيتی ميشود و مردم هم استفاده ميکردند ولي تصديق ميفرمايد كه اگر چنانچه ما امتياز ندهيم چون در مملكت ما شركت نيست و حقيقت مملكت ما مملكت سرمايه داری نيست فردا از همین مرم ديگران استفاده ميکنند و ما نمیتوانيم استفاده كنيم. در قسمت امتياز الان در شهر بروجرد دو نفر از تجار آمده اند كه هر کدام يك كار خانه وارد کرده اند يكي تقريباً پنجاه و پنج هزار تومان خرج کرده و كار خانه آورده. يكي هم از طهران يك كار خانه دو هزار تومانی نه دارای قوه پنج شش اسب است با كارخانه پنجاه شصت هزار تومانی رقابت ميکند و بالاخره الان مدتی است كه اين دو كار خانه هيچكدام نتوانسته اند کاری بکنند اينها را دولت در نظر گرفته است و اين لايحه را بمجلس آورده است و بالاخره معتقد شده كه برای مدت پانزده سال امتياز بدهد كه در ظرف پانزده سال يك سرمايه های داخلی در اين مملكت ايجاد شود و مردم رغبت باين كار ها بکنند. البته بعد از آن آزاد خواهد بود بعلاوه آقا بايد اين مسئله را متوجه باشند كه اين لايحه را اصلاً دولت آورده است دولت هم مدت را پانزده سال قرار داده است اگر آقا نظرشان غير از اين باشد ممكن است پيشنهادي بدهند ميرود بكميسيون البته اگر دولت موافقت كرد ما هم قبول ميكنيم

رئيس - آقا عباس ميرزا

عباس ميرزا - نظر باینكه آسایش عامه را در اين امتياز در نظر دارند و بعضی آقاهاست محترم هم در جلسه گذشته نسبت باسایش عمومی مذاکراتی فرمودند بنده هر قدر اين امتياز را مذاقه کردم بهيچوجه آسایش عمومی در اين امتياز كه منظور نيست سهل است حتی خیلی زحمت هم برای امتياز گیرنده و هم برای مردم فراهم ميشود زیرا اين مدت پانزده سال كه ذكر ميشود واقعاً پانزده سال يك شهر بايك محلی را اسير ميکنند

بدهند و هم بهتر لذا بنده پانزده سال را بجز اينكه يك ملتی و مردم يك شهری و يك عده را اسير كند نتیجه ديگری برايش نمی بينم  
مخبر - عرض کنم بيانات نماينده محترم را اسير يك کسی كه دنياي ديگری غير از دنياي ايران را ندیده بود اظهار ميکرد بنده تعجب نمی کردم ولی از کسیكه اروپا رفته و تحصيل کرده خصوصاً كه تازه از اروپا مراجعت کرده اسباب تعجب است كه بفرمايند الكتريك اهميت ندارد. متأسفانه ما ها يك نسيانی داریم و فراموش کرده ايم كه ده سال قبل از اين ما در اطراف اين كونه مسائل هيچ تفكر نمی كرديم و بخيال اين نبوديم كه در مملكت سرمايه داخلی تشكيل شود و يك وضعيات اقتصادی مختص بخودمان را ايجاد كنيم حالا در اثر يك امنیتی كه فراهم شده بالاخره يك عده بان خيال افتاده اند كه از صنايع اروپا استفاده كنند و مملكت خودشان فابده برسانند. در اين قسمت حضرت والا ميفرمايند كه امتياز دادن صحيح نيست و بايد قيد شود كه منتهای اتباع خارجی داده شود در صورتيكه ما اين نظر را نداريم مجلس شورای ملی و دولت ايران با سرمايه خارجی هيچ مخالفت ندارد منتهای آرزوی ما اين است كه سرمايه خارجه بيايد در اين مملكت و برای نفع خودش و جامعه ايران كار كند ما كه بالاخره ميخواهيم الفاء كاپيتولا سيون كنيم مخالفت با سرمايه خارجی نداريم و اين نظر دولت و مجلس شورای ملی فقط براي تشويق سرمايه داخلی و تأسيس شرکتهای داخلی است و اينكه فرمودند مدتی كه معين شده موجبات آسایش عامه را فراهم نميکنند و چند جهت دارد كه امتياز يك شهری را بدهيم بيك كميانی آقا تصديق ميفرمايد كه در اين مملكت الان يك كميانیهای موجوده نيست و ما تازه ميخواهيم كميانی ايجاد كنيم و آنهايی كه قبل از مشروطيت يك امتيازاتی گرفته اند امروز اگر ما ميتوانستيم آن امتيازات را اصلاح كنيم ميگرديم

لكن نظر باینكه ما قانون ادوار گذشته قبل از مشروطيت را تا كنون محترم شمرده ايم نميخواهيم نسبت با آنها وارد در يك مراحل بشويم ولی ميخواهيم بعد ها طوری كنيم كه اشخاصی كه امتياز ميگيرند حتی الامكان در حدود مقررات آن امتياز رفتار كنند و جامعه هم از آنها استفاده كند تا تشويق سرمايه داخلی بشود.

بعضی از نمايندگان مذاکرات کافی است

رئيس - عده برای مذاکره کافی نيست. آقا بروجردی

هم پيشنهاد تنفس کرده اند

جمعی از نمايندگان - صحيح است

( در اينموقع جلسه برای تنفس تعطيل و بفاصله نيم ساعت مجدداً تشكيل گرديد )

رئيس - پيشنهاد های ماده سوم قرائت ميشود

( بمضمون ذيل قرائت شد )

پيشنهاد ميکنم ماده سوم بترتيب ذيل نوشته شود

مدت امتياز را وزارت فواید عامه با رعایت خصوصيات

محلی و مقتضيات تقاضا كنده امتياز معين خواهد نمود

مدرس

پيشنهاد آقا ديبا

پيشنهاد ميکنم ماده ۳ بترتيب ذيل اصلاح شود

مدت امتياز حد اقل ده سال و اكثر پانزده سال

خواهد بود.

رئيس - اجازه ميفرمايد پيشنهاد ها مراجعه شود

بكميسيون

بعضی از نمايندگان - صحيح است

رئيس - ماده چهارم

( بمضمون ذيل قرائت شد )

ماده ۴ - حد اقل قوه کار خانه در بدو تأسيس

بتناسب اهميت و احتياجات محل توسط وزارت فواید

عامه با موافقت نظر بلديه محل معين خواهد شد

بعلاوه صاحب امتياز متعهد خواهد بود كه در صورت



افزایش احتیاجات در ظرف ششماه تا یکسال وسایل تربید قوه را در حوزه امتیازیه فراهم نماید  
رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده تصور میکنم که راجع باین قبیل امتیازات باید يك مذاکرانی بشود برای اینکه بایستی بالاخره يك وسائلی پیش گرفت که این قضایا در مملکت پیشرفت کند و مباحثه که در این جا میشود روی هیچ غرضی بجز اصلاح این مواد نیست و بهمان دلیل که بنده مدتی در اروپا بوده ام و دیده ام در آنجا وسائل برای مردم فراهم تر است و بهمین جهت هم در آنجا زیاد شده عرض میکنم. بنده عرض کردم ممکن است چراغ برق را آزاد بگذارند و خارجی را ممنوع کنند از این مسئله چون آقای مخبر محترم در آن موقع فرمودند که اگر آزاد بگذاریم دیگران استفاده خواهند کرد. بنده نفهمیدم دیگران کجا خواهند بود و ایشان در رد عرض بنده باز هم صحبت از کاپیتولاسیون و این قضایا کردند که هیچ مربوط باین مواد نیست در صورتیکه در اینجا در ماده دوازدهم مینویسد این غیر قابل انتقال است بخارجیه ها و در صورتیکه غیر قابل انتقال است این موضوع مورد بحث نیست اما راجع بماده چهارم در اینجا مینویسد حد اقل قوه کارخانه در بدو تأسیس متناسب اهمیت و احتیاجات محل توسط وزارت فوائد عامه با موافقت نظر بلديه محل معین خواهد شد بعلاوه صاحب امتیاز متعهد خواهد بود که در صورت افزایش احتیاجات در ظرف شش ماه تا یکسال وسائل تربید قوه را در حوزه امتیازیه فراهم نماید اینجا بنده سؤال میکنم از آقای مخبر محترم که دولت چه ضمانت و چه تأمینی گرفته است برای اینکه صاحب امتیاز در آن موقع وسائل تربید قوه را فراهم کند. ممکن است شما در بدو امر این امتیاز را به يك کسی بدهید که با يك سرمایه کمی بیاید بمیدان بعد که شما میخواهید مطابق احتیاجات محل قوه را تربید کنید خیلی ممکن است بلکه قطعی است که آن وسائل و آن ترتیبات برای او

فراهم نخواهد بود. لذا اگر شما يك ضامنی از او نگیرید نسبت ب سرمایه و آن میزانی که شما باو امتیاز میدهید و محقق نباشد بر شما که این امتیاز گیرنده سرمایه اش عقبه دارد یا يك کپانی میتواند تأسیس کند در آن موقع گرفتار خواهید بود چنانچه اگر آقای مخبر محترم ملاحظه کنند در همین امتیازاتی که داده شده که بنده نمیخواهم اسم ببرم همین گرفتاری ها هست و چون آقا در این جا بروجرد را عنوان کردند ممکن است ز نماینده بروجرد سؤال کنند الان در بروجرد در نهایت خوبی هر دو کارخانه کار میکنند و در اینجا کلیه مقصود این است که این امتیازات بيك ترتیبی در بدو امر داده نشود که لازمه اش تشکیل کمیسیون و دعوی، بلديه با کارخانه چراغ برق و این قبیل مسائل باشد که فقط باعث این باشد که مردم یا چراغ ندهند یا اگر نخواهند این ماده را اجرا کنند او با يك قوه کمتری قدری چراغ میدهد که هیچ خانها روشنائی نخواهد داشت این است که در اینجا اگر آزاد است باید آزاد باشد اگر امتیاز است باید این مواد بطوری نوشته شود که هم امتیاز عملی باشد و هم آن امتیاز گیرنده از عهده بر آید حالا در این مسئله بخصوص بنده میخواهم این را توضیح بخواهم که بچه ترتیب تعهد میشود و اطمینان به این عمل تعهد چیست.

رئیس - آقای رفیع.

رفیع - در ضمن مخالفت در هر ماده نماینده محترم میفرمایند که من غرضی با امتیاز دادن ندارم و با این مسئله من مخالف نیستم و نظریاتم را میگویم. اگر خدای نخواسته کسی باشد که غرضی داشته باشد چه میکنند لابد هی مخالفت میکنند و معطل می کند این قانون دو شوری است و هنوز کسی عمل نکرده. يك قانونی نوشته اند که دولت با اشخاص داخل در مذاکره شود میفرمایند چطور تعهد میکنند؟ البته وقتی قانون نوشته شد و يك کسی میآید يك تعهداتی میکنند

دولت تمام موارد تعهدات را پیش بینی میکند. يك دولت يك وزارتخانه بالاخره آنطوری که لازم است ترتیب اجراء تعهد را خودش میدهد او را متعهد میکند که هر قدر قوه برای شهر لازم باشد تهیه کند. آقا اگر تصور میکنند که باید ضامن بدهد البته این يك تصویری است پیشنهاد بفرمایند که علاوه بر تعهد باید ضامن بدهد پیشنهاد بکمیسیون میرود و کمیسیون مطالعه میکند مقصود بنده و آقا و آقایان دیگر باید این باشد که امتیاز داده شود بداخلی و داخلی اگر بخواد آکسیون خودش را با خارجیها مبادله کند این بد نیست. ما از هر چیز خارجی نباید بترسیم. اگر نجات خارجی پول بیاورند در مملکت ما این بد است؟ همه جای دنیا از پول خارجه استفاده و ترقی کرده اند. آقا اگر پیشنهادی دارید پیشنهاد خود را بفرمائید میرود بکمیسیون. معطل نفرمائید بگذارید این قانون بگذرد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای احتشامزاده

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۴ عبارت ۶ ماه تا حذف شود

پیشنهاد آقای عباس میرزا

ماده چهارم را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم:

حد اقل قوه کارخانه در بدو تأسیس متناسب اهمیت و احتیاجات محل توسط وزارت فوائد عامه با موافقت نظر بلديه محل معین خواهد شد و صاحب کارخانه باید مقدار سرمایه خود را تعیین و مطابق آن تضمین بدهد و نیز متعهد خواهد بود که در صورت افزایش احتیاجات در ظرف شش ماه تا یکسال وسایل تربید قوه را در حوزه امتیازیه فراهم اگر فراهم نماید مطابق میزانی که احتیاج زیاده شده است بدیگری امتیاز داده شود پیشنهاد آقای دیبا

پیشنهاد میکنم چهار علاوه شود و در هر صورت

میزان اشتراك و عده چراغ نباید از میزان قوه کارخانه بیشتر باشد

رئیس - ماده پنجم

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - اشخاص متفرقه در تهیه قوه الکتریک برای احتیاجات خصوصی خود آزاد ولی از فروش آن ممنوع هستند

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - عرضی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بلی. اینجا نوشته شده است از فروش آن ممنوع باشد - بنده عقیده ندارم چون يك تجاری فرضاً میخواهد يك قوه بیاورد يك قدری از آنرا برای خود مصرف کند يك قدرش را هم بفروشد بنا بر این اگر این عبارت حذف شود بعقیده بنده بهتر است. هر چند میدانم جواب خواهند داد که اگر يك کسی بخواد موتور بیاورد این لطمه باو وارد میآید ولی در هر صورت گمان نمیکنم اینقدر مهم باشد که لازم باشد در اینجا ذکر کنند

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم آقا اگر درست مطالعه بفرمایند معنی این امتیاز این است ما که با مردم دشمن نیستیم. يك بیچاره که آمده است زحمت کشیده خرج کرده کارخانه آورده بالاخره هر کس قوه دارد بفروشد بکار او ضرر میخورد ما نه نسبت بيك شخصی امتیاز دادیم بالاخره ممتاز میشود نسبت بسایر مردم پس اجازه بفرمائید که سایرین حق فروش نداشته باشند اما برای خانه خودش هر کس بخواد بیاورد اشکال ندارد والا اگر بنا شود همه بیاورند امتیاز معنی ندارد

رئیس - آقای مدرس

مدرس - مقصود مخالفت نیست لکن تذکری است



در این ماده که باید داده شود تا کمیسیون ملتفت باشد. اینجا در ماده مرقوم فرموده اند. « اشخاص متفرقه در تهیه قوه الکتریک برای احتیاجات خصوصی خود آزاد ولی از فروش آن ممنوع هستند » بنده چندی قبل خیال کردم يك چراغ مخصوصی برای مدرسه و مسجد بیاورم که تقریباً دوست سیصد تا چراغ بدهد ولی بعد يك شبهه برایم حاصل شد که چون امتیاز چراغ برق را بکسی داده اند شاید گبری داشته باشد. برای اینکه لابد در آن امتیاز چراغ برق که به يك کسی داده اند يك قیودات و تحدیداتی در کار است. لذا این طور پیشنهاد کردم که کمیسیون متوجه این نکته باشد. حالا هم عرض میکنم که بهتر این است نوشته شود ( برای احتیاجات خصوصی محدود و مربوط بخود ) که اعم باشد از خود شخص و خود توسعه دار غرضم این است آقایان اعضاء کمیسیون ملتفت باشند که اگر کسی همچو خیالی بکند عبارت طوری باشد که شاملش بشود.

مخبر - پیشنهاد بفرمائید بکمیسیون میرود تکلیفش معلوم خواهد شد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

تقی زاده - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - بفرمائید

تقی زاده - این که آقایان می فرمایند مذاکرات کافی است در مواردی است که اقلاً چند نفری نظریه خودشان را در مطالب اظهار کرده باشند و دو سه نظریه معلوم شده باشد و البته شور در لوائح برای این است که نظرها گفته شود و بوکلاء باید فرصت و رخصت داده شود که نظریه خودشان را بگویند تا برای شور دوم نظریات مجلس معلوم باشد و کمیسیون اگر اصلاحی میکنند از روی نظریات آقایان نمایندگان باشند خود بنده شخصاً در مواد عرایض داشتم ولی گفته شد مذاکرات کافی است و عرض نکردم در ماده اول و دوم نظریاتی داشتم اظهار شد مذاکرات کافی است در

اینجا هم گفته میشود مذاکرات کافی است خوب اگر در این ماده بنده تا سایر آقایان که يك نظریاتی دارند اظهار نکنیم و اگر بنا شود بهمین زودی مذاکرات کافی شود در شور دوم کمیسیون از روی چه نظریاتی میتواند عقاید آقایان و مجلس را بفهمد و لایحه را اصلاح کند؟ لذا بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - چون عده برای اخذ رأی کافی نیست اگر مطلبی دارید بفرمائید

تقی زاده - بنده بطور کلی با این لایحه با تمام موادش مخالفم ولی این ماده پنج در واقع يك انتسابی با اساس مطلب دارد یعنی میکوبد دیگران از فروش ممنوعند و حق ندارند در صورتیکه بنده شخصاً عقیده دارم که مسئله واگذاری چراغ برق انحصاری نباید باشد و هر کس باید آزاد باشد که چراغ بیاورد و مردم شهر روشنائی و استفاده بدهد و الا این مسئله انحصار يك امر قهرائی و برای مملکت مضرات بعضی اوقات میشود گفت يك لایحه با يك مطلبی خیلی اهمیت دارد يك لایحه دیگر در درجه دوم اهمیت دارد یکی دیگر خیلی مفید است و دیگری کمتر مفید است اینها يك درجانی است که نسبت بيك اموری وجود دارد ولی این مطلب نه خیلی مفید است و نه کم مفید است بلکه صرفاً برای مصالح مملکت مضرات این دلائلی که گاهی در اینجا گفته میشود که اگر کسی سرمایه خرج بکند و چیزی بیاورد دیگری هم اگر بنا شود بیاورد ضرر میزند و باید او مصون باشد. چون مطلب را باید قدری توضیح بدهم عرض میکنم اینطور نیست و اگر بنا شود این نظر در کار بیاید نسبت به تمام امور تجارانی وارد خواهد بود. مثلاً يك کسی ماهوت فروشی میکند دیگری هم که ماهوت فروشی میکنند از روی این قاعده چون اسباب خرابی و ضرر آن ماهوت فروشی اولی را فراهم میکنند پس نباید ماهوت فروشی بکند. این به عقیده بنده يك دلیلی نمیشود برای اینکه دست و پای اشخاص را دولت به بندد و کار را منحصر بیک نفر بکند و همه را مجبور کند که از همان بکنند بخرند و تمام

فائده را هم همان بکنند ببرد. در بعضی از مواقع نافذه مورد دارد که امتیاز محدود باشد و این در مواردی است که يك چیز را نمیتواند بدو نفر داد و دو نفر مشغول يك کاری باشند ولی چراغ این طور نیست و مثل آب و چشمه آب میباشد يك کسی که فرضاً میخواهد چشمه در بیاورد و چطور میشود دیگران را از در آوردن چشمه منع کرد و غدغن کرد؟ در صورتیکه که فرضاً اگر دیگری چشمه در آورد شاید خیلی بیشتر کار کند و زیادتر ترشح بدهد. در هر صورت بنده مخالفم و عقیده ام این است که این لایحه برای مملکت مضرت است و الا این تمام زحمانی که در طهران داریم و ترقی قیمت چراغ برق و غیره تمام برای این است که ما مردم را در این کار آزاد نگذاریم و منحصر بيك نفر است و دیگران نمی توانند تا بیست تا کارخانه بیاورند ولی وقتی که بنده این کار آزاد بشود این قدر مردم کارخانه چراغ برق خواهند آورد تا شهر مستغنی شود. در جواب بعضی از آقایان که فرمودند اگر بنا شود آزاد باشد مضرت است عرض میکنم مشهد که الان شش کارخانه دارد و همه کارخانههای هم بخوبی کار میکنند چه ضرر دارد؟ مثل زدند به بروجرد که در آنجا يك کسی امتیاز گرفته و دیگرهم کارخانه وارد کرده و اسباب ضرر و خسارت او را فراهم آورد بنده عرض میکنم يك مورد معین و يك موقع مشخص و منحصر بفرم دلیلی نمیشود که ما يك قانونی برای این مسئله از مجلس بگذرانیم و کاری نکنیم که دیگران را منع کنیم و انحصار بيك نفر بدهیم و از آن طرف تمام مملکت ورعایا را مجبور کنیم که بقیمت کران يك چیزی را بخرند. ما اسباب زحمت مردم و مملکت را فراهم کنیم برای اینکه در چند مورد مثلاً ممکن است اسباب ضرر چند نفری فراهم آید. در صورتیکه اینطور هم نیست و امروزه اساس امور اقتصادی بر رقابت است. تمام چیزهایی را که مردم میاورند روی رقابت است. اگر بنا شود وارد کردن اشیاء منحصر بيك نفر باشد

نمیشود. البته همه باید بیاورند و مطابق قانون عرضه و تقاضا وقتی که يك چیزی زیاد شد ارزان تر میشود اگر بنا شود ما دیگران را منع کنیم حکم این را دارد که تمام ملت ایران و مردم را مجبور کرده باشیم که بقیمت کران و در تحت شرایط سنگینی روشنائی تحصیل کنند این قانون برای این مملکت مضرت است و مثل این است که شما قانونی وضع کنید که کار خانهای که در مملکت موجود است تعطیل کنند و این البته اقتصاداً مضرت است یعنی بعلاوه اینکه این مسئله فایده ندارد مضرت هم هست این است که بنده مخالفم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم بطور کلی اصل رقابت يك چیزی است که اصولاً برای جامعه مفید است و بنده این قسمت از فرمایش آقایان که بطور کلی فرمودند تصدیق میکنم ولی اگر بخواهیم این اصل کلی را با رضعیات و مقتضیات مملکت خودمان تطبیق کنیم میبینیم که چندان مورد پیدا نمیکند و در همین لایحه وقتیکه وارد در اصل قضیه شویم و به حقیقت مسئله نگاه کنیم آنوقت اشتباه رفع میشود. ملاحظه بفرمائید در مملکتی که سرمایه وجود دارد و زیاد هم وجود دارد اگر بنا شود حق امتیاز و انحصار بيك سرمایه دار داده شود البته بجامعه لطمه میخورد زیرا وقتی که سرمایه در يك نقطه متمرکز پیدا کرد و يك خصوصیتی هم ضمیمه شد البته باید بکار بیفتد و اگر نیفتد برای جامعه مضرت است. اما يك وقت است که ما میخواهیم در يك مملکتی دست بکارهای اقتصادی بزنیم که عملاً و اصولاً سرمایه وجود ندارد و در قدم اول ما باید سرمایه ایجاد کنیم بعد اصل رقابت را اجرا کنیم. بنده خصوصاً از آقای تقی زاده سؤال میکنم که در این مملکت کدام دو نفری را سراغ دارند که هر کدام دارای صد هزار تومان سرمایه باشند و بخواهند برای چراغ برق این سرمایه خودشان را بکار بیندازند؟ مثلاً در شهر تبریز که



در مملکت زیاد شود. در این مملکت هنوز اشخاصی هستند که کشیدن چراغ برق را شوم میدانند و اسباب آمدن نیامد کارشان را می پندارند در این محیطی نه سرمایه هست و نه جامعه با استفاده از چیزهای طبیعی راغب و مایل است ما ناچاریم در امور اقتصادی يك مزایایی برای مردم قائل شویم تا حاضر و مایل شوند يك کارهایی نکنند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده پنج بعد از عبارت (احتیاجات خصوصی) مزید شود (منزل یا اداره خود)

پیشنهاد آقای احتشام زاده:

پیشنهاد میکنم در ماده پنج بعد از احتیاجات کلمه خصوصی حذف شود

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم ماده پنج بطریق ذیل نوشته شود.

اشخاص متفرقه در تهیه قوه الکتریک برای احتیاجات خصوصی

محدود مربوطه بخود آزاد می باشند الخ

رئیس - ماده شش

(باین مضمون قرائت شد)

ماده ۶ - صاحب امتیاز متعهد است کارخانه خود را طوری نگاهدارد که بدون تعطیل برای حوزه امتیاز خود قوه برق تهیه و با محتاج حوزه مذکوره را مرتفع نماید

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - در این جا یکی از نواقص ماده این است که بعقیده بنده باید ذکر شود کارخانه شب و روز دائر خواهد بود برای اینکه احتیاج قوه برق فقط برای روشنایی نیست بلکه برای هر گونه استفاده ایست و اهمیت چراغ برق برای همه چیز است نه اینکه برای این است که فقط در شب چراغ بدهد انواع احتیاجات را باید بدهد و يك قسمت از کارهای او هم در روز است از این

شود و تعطیل مزبور مستند باهمال صاحب کار خانه و یا نواقص ماشین آلات باشد دولت می تواند امتیاز را ملغی نماید

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - در این ماده بنده نسبت باین صاحب امتیازی که آقایان می خواهند او را تشویق کنند يك بی عدالتی می بینم برای اینکه هیچ شرطی در کار نیست و هر وقت دولت دلش خواست می تواند این امتیاز را پس بگیرد و باصل حکمیت قائل نشده در صورتیکه این يك چیز لازمی است. بنده اغلب این مواد را ناقص می بینم از این جهت مخالفت میکنم و الا با اصل قضیه موافقم

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - لحن بنده برای موافقت با نماینده محترم است و خیلی خوشوقتم که ایشان برخلاف بعضی از آقایان که با اصلش مخالفند با لایحه موافقت منتهی در مواد يك نظریاتی دارند آنها انشاء الله با پیشنهادها درست خواهد شد اما راجع به حکمیت تصدیق می فرمائید که این کار حکمیتی لازم ندارد يك دفعه، دو دفعه، سه دفعه بصاحب امتیاز اخطار میکنند اگر صاحب امتیاز توجه و اعتنائی نکرد آنوقت البته ملغی میکنند حالا در يك موردی اگر اتفاقی افتاده آن ربطی بموضوع ندارد. البته يك مسائلی را باید پیش بینی کرد ولی این مسئله حکمیت چندان موردی در اینجا ندارد در هر حال نظریه خودتان را پیشنهاد بفرمائید امیدواریم کمیسیونهم با نظر جنابعالی موافقت کند.

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده با این ماده مخالفم و نظریه بنده تقریباً همان است که حضرت والا فرمودند و همان طور که آقای رفیع دفاع فرمودند بنده عقیده ام این است

جهت بنده معتقدم که باید کارخانه شبانه روز برای احتیاجات مردم باز باشد

مخبر - آقای نماینده محترم در وقتی که ماده سه مطرح بود اهمیت بقسمت الکتریسیته ندادند و حالا برعکس میفرمایند کارخانه روز هم باید دائر باشد تا يك قسمت عمده احتیاجات بوسیله الکتریک رفع شود ولی تصدیق میفرمایند که اگر بنا شود صاحب امتیاز را مجبور کنیم که بدست و چهار ساعت کارخانه اش را دائر نگاه دارد گذشته از اینکه يك زحمتی است اصلاً مصرف و مورد ندارد. بالاخره باید اعتراف و تصدیق کرد که گذشته از بعضی از شهرهای بزرگ قسمت عمده از شهرهای کوچک هستند که چندان لزومی ندارد مثلاً درنهاروند اگر بنا شود روز هم کارخانه دائر باشد چه مصرفی خواهد داشت؟ و برای چه فایده ایست؟ و چه استعمالی دارد؟ البته اگر مردم شهر احتیاج برای استعمال قوه برق پیدا کنند و بجدی برسد که لازم باشد بدیهی است که بصاحب کارخانه و مبادی لازمه مراجعه خواهند کرد و همان مراجعه آن ها صاحب امتیاز را وادار خواهد کرد که روز هم کارخانه را دائر نگاهدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای عباس میرزا

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۶ را به ترتیب ذیل پیشنهاد میباید. صاحب امتیاز متعهد است کارخانه خود را بدون تعطیل شب و روز دائر نگاهدارد

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - هرگاه روشنایی حوزه امتیازیه جز در موارد غیر عادی و غیر اختیاری (فوس مائر) تعطیل



ضرب الاجل برای این کار قرار دهند که چندین دفعه دولت به صاحب امتیاز اخطار کند اگر او عمل نکند آتوق دولت الغاء کند غرض این است نباید بطور کلی اختیار را بدست دولت داد که هر چه دلش خواست بکند و مخالف مواد این قانون عمل کند.

یک تذکر دیگری که دارم این است که از آقایان منشی ها که در طرفین آقای رئیس نشسته اند استدعا دارم یک قدری هم باین قسمت توجه داشته باشند اگر بنا توجهی ندارند اقلایان نخته ها که هی متصل میگویم یک قدری رحم بفرمایند.

رئیس - اشخاصی که قبلاً اسامی شان ثبت شده مقدم هستند

عدل - بلی بنده خودم ملتقم بنده نظامات مجلس را ملتقم

رئیس - اسم جناب عالی پنج دفعه تا بحال نوشته شده ولی نوبت رسیده است آقایان که نطق کردند اسامی شان قبلاً ثبت شده بود.

مخبر - بنظر بنده تقیث و تشخیص و تشخیص فرس مازر یا مواقع قهریه یک چیزی است که بالاخره جامعه آزا باید تشخیص دهد و لازم است که یک حکمیتی برای آن قرار داد وقتی که یک کار خانه چراغ برق تعطیل می کند البته معلوم میشود اگر تعطیلتش مستند بیک امر اجباری بوده آهم معلوم میشود با وجود این حال آقایان اگر پیشنهادی دارند در این موضوع بفرمایند در کمیسیون مورد دقت و مطالعه خواهد شد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - ماده ششم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - صاحب امتیاز متعهد است در ظرف یک سال از تاریخ اعطای امتیاز کار خانه را وارد محل و در ظرف یک سال دوم بر حسب تصدیق بلدیة محل کار خانه را

دائر و در ظرف سال سوم احتیاجات محلی را بوسیله چراغ برق مرتفع نماید در صورت نقض هر يك از مقررات فوق امتیاز ملغی است

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - عرضی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - در لایحه که دولت پیشنهاد کرده بود

نوشته بود ناسه سال صاحب امتیاز مکلف است کارخانه را دائر کند ولی در کمیسیون این سه سال را تقسیم بندی کرده اند و همچو قائل شده اند که یکسال باید صاحب امتیاز اسباب و آلات خودش را بیاورد و یکسال دیگر این آلات و ادوات را سوار کند و بکار بیندازد و بالاخره در سال سوم چراغ بدهد و آن وقت معتقد شده اند در هر يك از سنوات کار هائی را که باید بکنند اگر نکرد و بعهده تعویق افتاد امتیاز ملغی میشود بعقیده بنده این يك زحمتی است برای صاحب امتیاز و همانطور که دولت پیشنهاد کرده خیلی بهتر است زیرا مثلاً در سال اول ممکن است بتواند آلات و ادوات خودش را بیاورد و این کار را با کاریکه باید در سال دوم بکند در همان سال دوم میکند یا در سال سوم هم سوار میکند و هم چراغ میدهد یا بالاخره هر سه کار را شاید بتواند در ظرف همان سال سوم انجام دهد و این البته بهتر است مدت همان سه سال باشد منتهی در اختیار خود صاحب امتیاز باشد لذا به عقیده بنده خوب است همان طور که دولت پیشنهاد کرده قرار داده شود یعنی در ظرف سه سال صاحب امتیاز ملزم باشد چراغ بدهد

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

رفیع - نماینده محترم تصدیق میفرمایند که اساساً در این مملکت يك امتیازاتی گرفته شده ولی عمل نکرده اند

و همینطور مانده نظر کمیسیون این بود که مسئله را محدود کند و برای هر قسمتی مدتی قرار دهد که اگر در هر مدت آن کاری که باید بکند نکرد امتیازش لغو باشد. بالاخره باید قائل شد که تمام شهرهای مملکت ما باید روشن باشد و مردم در همه جا از قوه برق استفاده ببرند و مقصود ما این بود که بعمل نزدیک تر بشویم. سابق بر این البته راهها شوسه و پرداخته نبود و سائل ایاب و ذهاب و حمل و نقل بطور خوب در کار نبود و از این جهت شاید صاحبان امتیاز نمیتوانستند در ظرف یکسال مثلاً آلات و اسباب لازمه را وارد کنند و اسباب کار خودشان را فراهم نمایند ولی امروزه اینطور نیست و وسائل حمل و نقل در مملکت بطور خوبی فراهم است و می تواند در ظرف سال اول آلات و ادوات خودشان را فراهم و وارد کنند و در سال دوم تأسیس و دائر کند و بالاخره در سال سوم کارشان را تمام بکنند و چراغ بدهند و این البته بعمل نزدیک تر است زیرا وقتی که صاحب امتیاز خودش را مکلف دید که در فلان مدت فلان کار را باید بکند البته سعی میکند که وسائل کار خودش را تمام کند. معذالك اگر تصور بفرمائید که مطلقاً مدت سه سال باشد پیشنهاد بفرمائید می رود به کمیسیون و البته پس از اینکه توضیحاتشان را گوش دادند موافقت میکنند

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بنده عقیده ام این است که يك اصلاح عبارتی باید در اینجا بشود برای اینکه این طوریکه در ماده نوشته اند مثل این است که اگر صاحب امتیاز قبل از سال دوم بخواهد وارد کند یا قبل از سال سوم بخواهد چراغ را دائر و احتیاجات محلی را رفع کند ممنوع است. بنده این طور پیشنهاد کرده ام که نوشته شود در ظرف سال اول فلان و منتها در ظرف سال دوم فلان و منتها در ظرف سال سوم فلان که اگر صاحب امتیاز توانست و وسائلش فرضاً فراهم

شد و طوری شد که قبلاً هم توانست در مدت معین کارخانه را دائر کند مانعی نداشته باشد مثلاً قبل از مدت سال دوم یا سوم اگر موفق شد کار خانه را دائر کند و چراغ بدهد مانع و اشکالی نداشته باشد مقصود این است عبارت طوری باید باشد که اسباب زحمت مردم و صاحبان امتیاز نشود

مخبر - نماینده محترم درست این قسمت را توجه فرموده اند اگر صاحب امتیاز در ظرف دو سال مثلاً بنا باشد کارخانه را دائر کند در ظرف یکسال فلان کار را یعنی بیش از موعده که قرار داده شده کار خودش را بکند بدیهی است دولت مانع نخواهد بود و بهتر هم خواهد بود اگر کسی کار را که در ظرف سه سال باید بکند در مدت دو سال فرضاً انجام دهد قطع نظر از اینکه کسی مانع نیست البته مورد تشویق هم خواهد بود مقصود مانع بگرفتن امتیاز و خدمت به شهر و مردم است البته باید وسائل کار خودش را در مدت مقرر فراهم نماید مقصود این است اگر دولت دید صاحب امتیاز در آخر سه سال کار خودش را نکرده و وسائل کار خودش و دایر کردن چراغ برق را فراهم نکرد و بالاخره علاقه مند نبود و مقصودش فقط تحصیل امتیاز بوده بتواند و حق داشته باشد که این امتیاز را از او بگیرد و بکسی دیگری که علاقه مند بدائر کردن آن است بدهد و آن را از حالت احتکاری خارج کند مقصود همین است جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای طاهری

پیشنهاد می کنم ماده پیشنهادی دولت بجای ماده هشتم

مصوبه کمیسیون قرار داده شود

پیشنهاد آقای شیروانی

بنده ماده پیشنهادی دولت بجای ماده ۸ خبر کمیسیون



## مواد الحاقیه

### قانون استخدام اعضاء ادارى مجلس شورای ملی

مصوب ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده الحاقیه اول - ورود بخدمت و ترفیع رتبه و تعیین اضافه حقوق اعضاء و اجزای ادارى مجلس شورای ملی و تشخیص و انتخاب اعضاء و اجزاء و مستخدمین ادارى مجلس و تمام ترتیبات و تشخیصات راجعه به استخدام ادارى مجلس و کلیه اجرای مواد قانون ادارى مصوبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۴ با خود مجلس است به علاوه در استخدام مستخدمین الزامی به انتخاب از منتظرین خدمت ادارات دولتی نیست و این حقوق و اختیارات راجع به گذشته و آینده محفوظ و واجب الاجرا است

ماده الحاقیه دوم - مستخدمین مجلس شورای ملی با شرایط مندرجه در ماده ۴۳ قانون استخدام کشوری با داشتن سی سال خدمت متناوب و با بیست و پنج سال متوالی و با شصت سال عمر میتواند متقاعد بشوند

تبصره - بنداول و دوم قانون استخدام کشوری هم بطریق فوق تفسیر میشود

ماده الحاقیه سوم - نسبت به دارائی نقدی و جنسی مجلس در مواردی که اداره مسؤل لزوم آن را تشخیص

دهند اخذ وجه الضمانه یا دادن ضامن معتبری حتمی خواهد بود

تبصره - اجرای مواد الحاقیه مذکوره فوق از طرف مجلس با رعایت ماده هفت قانون استخدام ادارى

مجلس مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ بعمل خواهد آمد

این قانون که مشتمل بر سه ماده الحاقیه است در جلسه چهاردهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب

مجلس شورای ملی رسیده و ضمیمه قانون استخدام اعضاء ادارى مجلس شورای ملی میشود

رئیس مجلس شورای ملی . حسین پیرنیا

پیشنهاد میجام

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم در ماده ۸ عبارت ( و در ظرف سال دوم) و (در ظرف سال سوم تبدیل شود) به و منتهی در ظرف سال دوم) (و منتهی در ظرف سال سوم)

رئیس - ختم جلسه پیشنهاد شده است (گفته شد)

صحیح است) آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده يك مطلبی را می خواهم عرض کنم ترچه خیلی جزئی و ناقابل است و عذر میخواهم ولی تصور میکنم بالاخره يك وقتی باید این مذاکره در مجلس شروع شود ما امروز قانون استخدام را از مجلس گذرانیدیم و برای هرکاری

يك آدمی داریم و عده مستخدمین هستند که برای يك کار های معینی هستند خوب است يك نفر هم در مجلس

استخدام شود که از اهل فضل باشد و سواد کامل داشته باشد برای اینکه این لواجی که به مجلس میآید و چاپ

میشود از نظر او بگذرد تا این قدر غلط نداشته باشد زیرا واقعاً اسباب شرمندگی است که این لواجی که

به مجلس میآید این قدر غلط داشته باشد بنده نمیخواهم ذکر کنم ولی بطور کلی عرض میکنم که از اول مجلس

تا بحال لواجی که به مجلس آمده اغلاط بی حساب دارد و همه با غلط چاپ شده مثلا در این جا از

اول تا آخر چراغ را با « قاف » نوشته اند و این همچو می نماید که مجلس می خواهد يك قانونی بگذراند که

چراغ با قاف باشد و این البته خوب نیست . در سایر لواج هم اغلاط بی شمار و لائخصی است و اگر از صدها

نجاوز نمیکرد بنده این عرض را نمیکردم و وقت مجلس را

نمی گرفتم ولی تصور میکنم بهتر این باشد که هیئت رئیسه يك شخصی را که اهل فضل و سواد باشد مقرر فرمایند که باین کار کاشته شود و این لواجی که به مجلس میآید برای چاپ بمطبعه میرود از نظر او بگذرد و تصحیح شود رئیس - آقای تقی زاده اگر کسی را سراغ دارید معرفی کنند

مخبر - عرض می کنم خبری که از طرف کمیسیون تهیه شد. ( چنانچه نسخه اش در مطبعه حاضر است ) درست نوشته شده و این يك اشتباهی است که در مطبعه شده است و با اداره مباشرت باید تذکر داد که يك مصححی بانجا بفرستند تا این لواج را در موقع تصحیح کند

رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - بنده خیلی متأسفم از اینکه ناچارم از مطبعه دفاع کنم این جا هر تصویری که میشود کردن مطبعه می گذارند . مصحح اداره تقنینیه این لواج را تصحیح می کند حالا اگر چنانچه در آنجا اشتباهی میشود مربوط به مطبعه نیست .

رئیس - آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع - آقای تقی زاده که این فرمایش را میفرمایند الحمدلله خودشان در هیئت رئیسه هستند و این لواج که بمجلس میآید خودشان خوب است این زحمت را قبول بفرمایند و این لواج را در نظر بگیرند و تصحیح کنند . و این محتاج نیست که ما يك مخارجی بکنیم و يك کسی را بیاوریم مخصوصاً برای این کار البته وکلا هستند و خودشان اینکار را میکنند

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)